

نمودهای معماری در نگارگری

مقدمه:

معماری را هنری دانسته‌اند برای ساماندهی و نظم بخشیدن به فضا. معماری مبتنی بر دیدگاه دینی بر محور قداست مکان شکل گرفته و با یاری جستن از روش‌های فنی فضا را آن‌چنان می‌سازد که دارای معانی و تأثیرات روحانی بر انسان باشد، به گونه‌ای که بر طبق تعالیم الهی، خود را در محضر پروردگار ببیند. از همین رو، شاهکارها در فرهنگ‌های دینی همواره معابد و مساجد بوده‌اند. نقاشی ایرانی نیز که یکی از جلوه‌های زیبای هنر اسلامی است، سیر تحول معنوی خود را از ادبیات اسلامی گرفته و در جلوه‌ی ظاهر با اتکال به هندسه‌ی معماری اسلامی، که مقدار و اندازه‌های قدسی است، فضایی را مناسب آن معانی ایجاد نموده است. معماری، نگارگری و هنرهای صناعی از جمله زمینه‌هایی هستند که بیانگر حقایق واحد، در بیان‌هایی نزدیک به یکدیگر بوده‌اند. بررسی مشترکات ساختاری و بیانی نگارگری و معماری ایران که در بستر فرهنگ اسلامی رشد یافته، به درک بسیاری از مفاهیم هنر اسلامی کمک می‌کند.

نگارگری از معماری اسلامی به دو صورت عمده بهره می‌برد و نهان و آشکار خود را با این هنر قدسی آرایش معنوی می‌دهد. نخست، هندسه‌ی پنهان هر نگاره و دوم، استفاده از ظواهر بنای معماری اسلامی یعنی وجود قوس‌ها، کاشی‌کاری‌ها، تذهیب و خط که برای بیننده تداعی‌گر حضور مسجد در اثر است. بر همین اساس، نگارگران جلوه‌هایی از معماری را ترسیم نمودند که متانت، زیبایی و قداست مسجد را به صفحه‌ی نگاره منتقل می‌نمایند و در نتیجه یادآور فضایی قدسی می‌شوند که معماران در بنای مسجد عالی‌ترین جلوه‌های آن را ایجاد می‌نمودند. فضاسازی معماری اسلامی با استفاده از سطوحی شکل می‌گیرد که بر پایه‌ی هندسه‌ی اسلامی قوام یافته‌اند. این سطوح در نگارگری به شکلی ظاهراً منقطع ایجاد شده و با ترکیب هنرمندانه‌ی

نقاش فضای واحدی را به وجود آورده است. استفاده از لایه‌های متعدد اعم از بنا یا طبیعت در نگارگری، سطح یک اثر را تبدیل به فضایی گسترده و بسیار پرتحرک می‌نماید. در این نوع فضاسازی، بافت‌ها و رنگ‌های خاص نگارگری نقش اولیه را ایفا می‌کند.

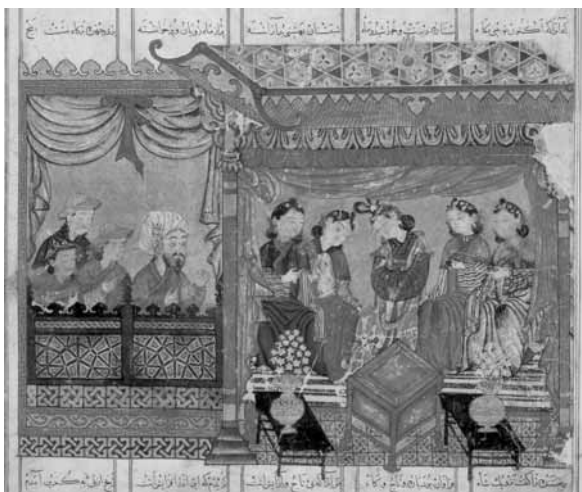
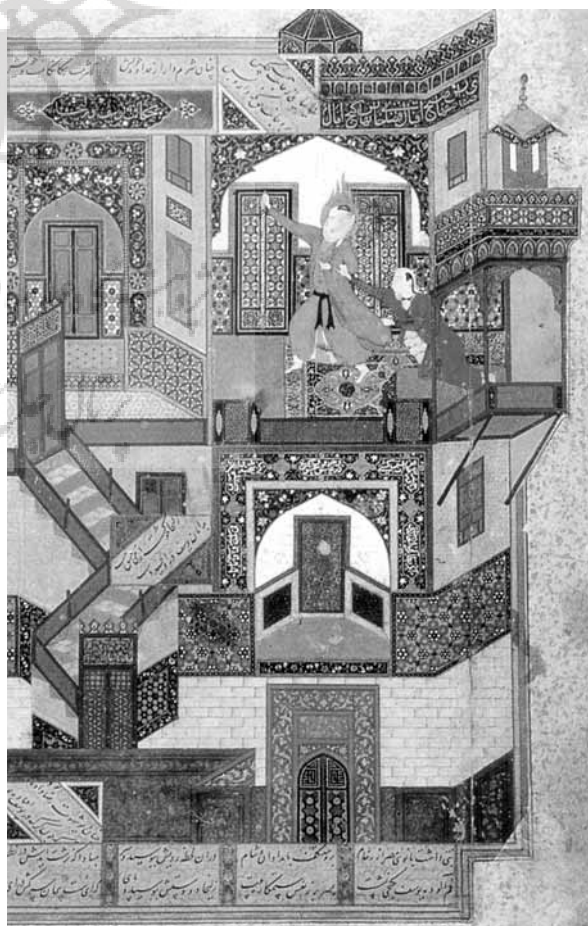
رنگ در معماری اسلامی نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کند تا جایی که معماری اسلامی را رنگین لقب داده‌اند. این نوع رنگ‌آمیزی که با سطوح کاشی لعابی ظاهر می‌شود در انعکاس نور و تلطیف فضا مؤثر بوده در نتیجه، جلوه‌ی مادی معماری هر چه بیشتر شکسته می‌شود. ادراک یک بنای معماری در طی زمان و گردش در فضاهای گوناگون آن صورت می‌پذیرد. این ادراک مستلزم حرکت ناظر در مسیر افقی و جهات گوناگونی است که بنا در اختیار وی می‌گذارد. اما نمای عمومی هر قسمت از بنا از روی یک نقطه قابل مشاهده است. همین وجه در آثار نگارگری سبب گردیده تا تمام عناصر معماری از همین زاویه‌ی دید مشاهده شود. در نقاشی اسلامی ایران کف یک بنا از زاویه‌ی بالا دیده می‌شود، بنابراین، با دیوارها هماهنگی پیدا کرده و تنها به لحاظ رنگ و نقش تفاوتی میان آنها دیده می‌شود. نمایش نماهای داخلی و خارجی یک بنا نیز به گونه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. گاه، نمایی از یک بنا آن‌گونه که ناظر در مقابل آن ایستاده و به مشاهده‌ی آن پرداخته، ترسیم می‌شود و در نوع دیگر، نماهای مختلفی از یک بنا در یک ترکیب منسجم و معنی‌دار در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در این نوع، بخش‌هایی از نمای بیرونی به همراه قسمت‌های درونی یک ساختمان در یک تصویر با یکدیگر ترکیب شده و اثری واحد را به وجود می‌آورند. در نوع دیگری از ساماندهی، نماهای گوناگون درونی و بیرونی از چند بنا، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که این ترکیب گاه منجر به نمایی از یک قطعه یا محله می‌شود. انتخاب قطعات مختلف نما و ترکیب سنجیده‌ی آنها با یکدیگر نکته‌ی حائز اهمیت در این نوع نگاره‌هاست.

انواع فضاهایی که به تصویر درآمده‌اند عبارتند از: خانه، مسجد، قلعه، مدرسه، حمام و... که هر یک دارای ویژگی‌هایی است. در این میان ایوان به مثابه عنصر مشترک در همه‌ی بناهای معماری اسلامی ایران نقش محوری را در تصویر همگی این بناها ایفا کرده و همواره یکی از اجزاء اصلی تصویر را تشکیل می‌دهد. قوس‌های زیبای معماری اسلامی بر فراز ایوان‌ها، فضای متمرکزی را جهت عناصر تصویر ایجاد نموده و به کل اثر وحدت می‌بخشد. علاوه بر این، ترکیبات مختلفی از بنای معماری، در آثار ایجاد شده که از آن جمله می‌توان دید عمومی از نمای خارجی بنا یا تصویر نمای داخلی را برشمرد. آثار بسیار زیبایی از نگاره‌ها به خصوص در مکتب‌های هرات و تبریز، ترکیبی از دو نمای داخلی و خارجی را نشان می‌دهند.

قطعات انتخابی از فضاهای معماری، در آثار نگارگری تنوع بسیاری دارند و طیفی از تصاویر یک محله، که گاه به مثابه کل شهر تا طرح قسمت کوچکی از خانه و یا حتی عنصری از خانه به مثابه کل خانه، را دربر می‌گیرند. با توجه به آثار موجود، نگارگری قابلیت نمایش فضاهای گوناگون را داراست امری که در دوره‌ی معاصر مورد غفلت قرار گرفته است.

یکی از ویژگی‌های معماری اسلامی توجه به هر دو فضای درونی و بیرونی است. این بیان در نگارگری با استفاده از حاشیه به عنوان واسطی بین متن و گستره‌ی کتاب، تجلی کرده و در حقیقت، عبور از یک فضا به فضای دیگر را ایجاد می‌نماید. حاشیه‌ها با استفاده از رنگ‌های مختلف و طرح‌های

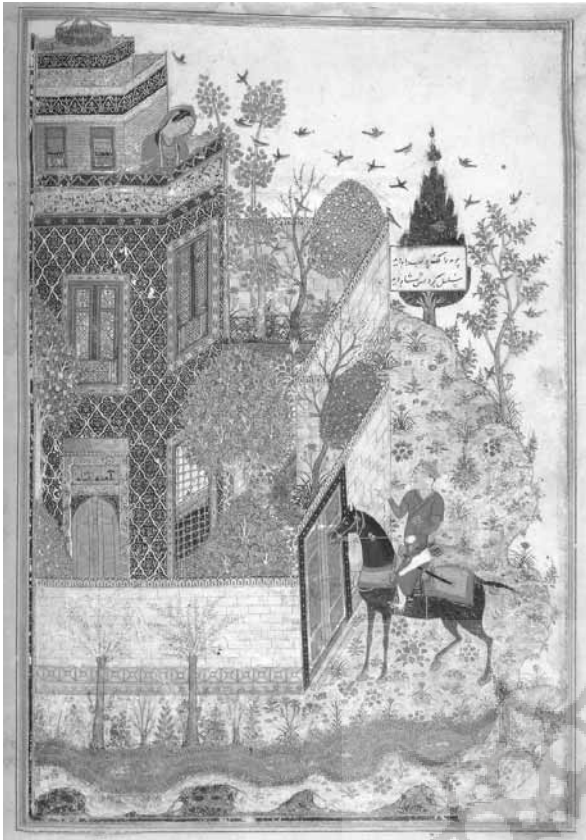
گریختن یوسف (ع) از زیخا، بوستان سعدی، هرات، ۸۹۳ هـ



مقاوت زمینه‌ی ارتباط مناسبی را میان آنچه درون حاشیه قرار دارد و محیط اطراف فراهم می‌کند. یک حاشیه گاه به قدری اهمیت تصویری می‌یابد (از جهت وسعت، رنگ و طراحی) که حاشیه‌های فرعی دیگری آن را احاطه می‌کنند. شکسته شدن کادر در اثر، که بیرون رفتن بخشی از نگاره از چارچوب را به دنبال داشته و اختصاص به نگارگری دارد با ایجاد ارتباط میان فضای درون و بیرون کادر بر گستردگی بیان اثر می‌افزاید و زمان و مکان را در شکل مثالی مطرح می‌نماید. شکستن کادرها به وسیله‌ی طبیعت یا بنای معماری صورت می‌گیرد و در مورد دوم اغلب گنبدها، نورگیرها و حاشیه‌های تزئینی بنا عوامل اصلی هستند.

یک اثر نگارگری با وجود استفاده از شکل‌های هندسی در تصویر معماری، بسیار پرتحرک و پویاست. این تحرک که با مهارت و اشراف هنرمندان نقاش بر مبانی تصویری ایجاد شده به یقین فراتر از مبانی تصویری بوده و حاصل تجربیات هنرمندان غربی در قرون اخیر است.

تأثیر عناصر وابسته به معماری بر اساس عناصری چون نقوش هندسی، تذهیب و کاشی‌کاری، خوشنویسی و نیز نقاشی‌هایی بوده که بر دیوارها ترسیم می‌شود. جلوه‌ی این عوامل با توجه به فضای پر و خالی و تراکم ایجاد شده در نقوش گره چینی و اسلیمی، به دلیل بزرگی و کوچکی هر یک از مفردات نقوش است. حضور این نقوش در نگاره‌ها به واسطه‌ی حضور عناصری بوده که زمینه‌ی ایجاد نقش را فراهم می‌کنند. مهم‌ترین آنها معماری است که با اجزاء وابسته مانند سایه‌بان، فرش و... اصلی‌ترین مکان‌های ایجاد نقش را تشکیل می‌دهند. پرداخت به اجزاء نیز به گونه‌ای است که بیننده را به سیری مستمر بر روی تک‌تک عناصر دعوت می‌کند. کوچکی اجزاء در حدی است که از فاصله‌ی متعارف برای نگاه به کتاب و خواندن متن تصویر گویایی خود را بازیابد، اما برای بیننده‌ای که خواهان بهره‌مندی از تصویر است، هر جزء نکاتی در خود نهفته دارد. حرکت از هر سطح به سطح دیگر دیدنی‌های تازه‌ای را از طرح، بافت و رنگ در برابر بیننده قرار می‌دهد؛ ضمن اینکه با تنوع در مقدار این جزئیات که گاه بسیار ظریف و گاه با ظرافت کمتری نمود می‌یابند، مانع خستگی و یکنواختی اثر می‌شود.



داستان همای و همایون، دیوان خواجوی کرمانی، بغداد، ۸۰۱ هـ

نقوش هندسی اگر چه همواره تکرار شکل‌هایی واحد و به دلیل ساختار هندسی‌شان در تکرار مداوم هستند، به نظر می‌رسد فاقد کشش به جهتی خاص باشند. اما با در کنار هم قرار گرفتن آنها، حالت مضاعفی از نسبت‌های گوناگون در بین نقش‌های مختلف را ایجاد می‌نمایند. برخی از سطوح با نقش‌های هندسی بسیار ریز و با حرکات اسلیمی کوچک نقش می‌شوند و برخی دیگر با نقوشی بزرگ‌تر، این تفاوت در اندازه‌ی نقوش که به هیچ وجه از دوری و نزدیکی آنها تبعیت نمی‌کند، عنصر مهمی در القاء فضا و تحرک بصری در تصویر است. تنوع این نسبت‌ها بسیار زیاد و کنترل هنرمندانه‌ی نقاش بر همه‌ی این اجزاء و رسیدن به وحدت و تعادل در تصویر، اعجاب‌آور است.

سطوح مختلف بنای معماری در دیوارها، زمین، درها، پنجره‌ها و... با نقوش همگونی پر می‌شوند. سطوح تزیینی که متشکل از واحدهای تکرار شونده از نقوش هندسی یا اسلیمی و ختایی هستند، در کنار هم منطق تراکم را در هر تصویر ایجاد می‌کنند. این منطق سطوحی را که چشم باید از آنها آرام یا سریع بگذرد و نیز سطوحی که محل تأمل و توقف بیننده است را مشخص می‌نماید. در میان مکان‌هایی که از نقش‌های به هم فشرده و پرتراکم برخوردار بوده، سطوح بدون نقش و ساده، موقعیتی برای تنفس اثر فراهم کرده و گاه استفاده از تضاد میان نقوش کوچک و بزرگ فضای

شاخصی را در اثر ایجاد می‌نماید. به طور کلی نقوش بنای معماری سبب اتحاد شکلی میان عناصر کل تصویر می‌گردد.

در این میان خوشنویسی با حضور خود در متن یک اثر، همان عملکرد معنوی را که در معماری دارد بر سطح نگارگری نیز ایجاد می‌کند و بر جلوه‌ی روحانی آن می‌افزاید. اغلب نوشتار، برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی و همچنین اشعار حکیمانه‌ای است که متناسب با مضمون، عمدتاً بر بناهای معماری نگاره‌ها نقش می‌گردند.

توجه به فضای سبز و باغ‌آرایی وجه دیگری از ویژگی‌های معماری اسلامی است. تاریخ گذشته نشان می‌دهد که ایرانیان دارای غنی‌ترین اندیشه باغ‌سازی بوده‌اند، اندیشه‌ای که در دوره‌ی اسلامی به حد کمال رسید و زیباترین باغ‌ها و فضاهای سبز را در کنار عمارت پدید آورد. این وجه نیز به خوبی در آثار نگارگری مشهود بوده و پرداختن به فضای سبز با جلوه‌ی بهاری از خصوصیات این هنر است.

آنچه از معماری در نگارگری ظهور یافته، وجه جدیدی از فضای قدسی معماری اسلامی بوده، که صرفاً در نگارگری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. قواعد برش و تقطیع و بر هم خوردن نسبت‌های معماری و نگارگری، به خصوص نسبت فضا در ارتباط با انسان و سایر عناصر و همچنین نسبت فضاهای تزیینات، که جلوه‌ای متفاوت با واقعیت معماری دارد، سبب شده تا شاکله‌ی جدیدی از معماری عالم قدس ظاهر شود که بیانگر جلوه‌ی دیگری از حقیقت معماری و نقاشی است.

